

غدیر؛ اسلام آزاد از سکولاریته

الْيَوْمَ يَمَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

1- وقتی متوجهی نقش تاریخی و حضور تاریخی جریان غدیر باشیم و آن را با جریان سقیفه مقایسه نماییم، می‌فهمیم که موضوع به دو نوع اسلام نظر دارد.

2- با رحلت رسول خدا ﷺ به جای ادامه‌ی اسلام از طریق آن چه رسول خدا در غدیر متذکر شدند، سقیفه به صحنه آمد و هر چند موجب شد عبادات اسلامی ادامه یابد ولی جهت دیگر اسلام یعنی روحیه‌ی تمدن‌سازی آن که در آن زمان در مقابل جریان جاهلیت حاکم به صحنه آمده بود، به حاشیه رفت و عملاً فرهنگ جاهلیت توانست در صحنه بماند در حالی که اگر فرهنگ غدیر از طریق امامی معصوم به میان می‌آمد، علاوه بر آن که عبادات شرعی به عالی‌ترین شکل در میان می‌ماند، هویت تمدنی اسلام که چیزی غیر از هویت فرهنگ جاهلیت بود، به ظهور خود ادامه می‌داد.

3- آری با آمدن سقیفه، به عنوان نحوه‌ای از اسلامیت، عبادت بت به حاشیه رفت و عبادت‌های دینی به میان آمد ولی ملاحظه می‌کنید أمویان که طلایه‌داران حیات جاهلیت‌اند با حفظ هویت خود در صحنه می‌مانند تا آنجایی که ادامه‌ی سقیفه، کار را به حاکمیت یزیدی می‌رساند که در مقابل سر مبارک حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) می‌گوید:

لَعِبْتَ هَاشِمٍ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ

یعنی؛ بنی‌هاشم (پیامبر ﷺ و خانواده‌اش) مملکت و حاکمیت بازی می‌کردند- این‌ها دنبال حکومت بودند- وحی و خبری از طرف خدا در کار نبود.

4- سکولار شدن دین آینده‌ای که آینده‌ی تاریخی دین باشد و موجب هویت تاریخی دین در آینده گردد را بر نمی‌تابد، هر چند در مورد عبادات - به هر شکل می‌خواهد باشد - حساسیتی از خود نشان نمی‌دهد.

5- حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به عنوان کسی که نظر به «غدیر» دارد می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ، وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»

ای مردم! پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هرکس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت بر نخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر بیاندازد.»

6- معنای سخن فوق آن است که نمی‌توانیم بدون فرهنگ غدیر جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی آن داشته باشیم وگرنه ناخواسته گرفتار یک نوع سکولاریته‌ی پنهان هستیم. بدین معنا که حاکمیت سیاسی و اقتصادی را به غیر از دین سپرده‌ایم و شیعه با توجه به چنین امری دائماً نظر به «غدیر» دارد تا این موضوع از صحنه‌ی حیات دینی او به حاشیه نرود زیرا به خوبی روشن است که هرگز مشکلات و مسائل جامعه‌ی ما به عنوان جهان منطقه‌ی غرب آسیا مرتفع نمی‌شود مگر با آموزه‌های قدسی و دینی که نظر به حضور تاریخی «دین» دارد و در همین رابطه جایگاه انقلاب اسلامی را می‌توان روشن نمود و هزینه‌هایی که برای تحقق فرهنگ غدیر داده شده است را تحلیل کرد، از جمله هزینه‌ی شهادت شهدای کربلا که تا امروز نیز ادامه دارد تا غدیر فراموش نشود.

7- ما، در مسیر بالندگی خود باید بدانیم از چه چیزهایی عبور کنیم و به چه چیزهایی رجوع داشته باشیم تا در بی‌آیندگی و بی‌تاریخی قرار نگیریم. از طریق انقلاب اسلامی و سلوک ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» اشاراتی در این تاریخ به میان آمده است که زبانِ تفکر انتزاعی، توانِ ارائه‌ی آن را ندارد و زبانِ احساسات معمولی نیز آن را می‌کاهد، نیاز به زبانی داریم که حقیقت را در این تاریخ نشان می‌دهد و این با نزدیک شدنِ حقیقت و تاریخ ممکن است، به همان معنایی که قرآن توصیه می‌کند سیر در زمین بکنید و رازِ سقوط جوامع و تمدن‌هایی که نسبت خود را با حقیقت شکل نداده‌اند را، بیابیم و عبرتی باشد برای دولت‌مردانی تا بیش از پیش در تحقق آرمان‌های غدیری که حضور تاریخی انقلاب اسلامی بیرون از گردونه‌ی تمدن غربی است فکر کنند زیرا مسلم عبادات دینی منهای حضور تاریخی انقلاب اسلامی در این تاریخ آن نتایجی که ملت ما به دنبال آن هستند را برایشان در بر ندارد.

والسلام